

خوراک تینیجرها

صنعت سرگرمی و رسانه در رتبه نهم بزرگ ترین صنایع جهان از نظر درآمد قرار دارد. یکی از مخاطبان جدی این صنعت پولساز، نوجوانانی هستند که بعد از مدرسه، دنبال سرگرم شدن هستند و جزو مصرف کنندگان فعال به حساب می آیند. وقتی از فعال بودن این گروه از مصرف کنندگان صحبت می کنیم یعنی نوجوانان دیگر فقط تماشاچی یا شنونده و خواننده نیستند؛ بلکه انتخاب گر هستند و از بین انبوه محتواهای تولید شده دست به تحلیل و گزینش می زنند. از طرفی با این محتواها تعامل می کنند و با لایک و کامنت و دونیت از محتوای مورد علاقه خود حمایت



می کنند. علاوه بر این که بعضی از نوجوان ها خود تولیدکننده محتوا هستند. بر اساس گزارش «چشم انداز جهانی صنعت سرگرمی و رسانه» منتشر شده توسط شرکت PWC ارزش جهانی این صنعت در سال ۲۰۲۳ به حدود ۲/۸ تریلیون دلار رسیده است. این شرکت که یکی از معتبرترین منابع در ارائه گزارش های سالانه، پیش بینی های اقتصادی و تحلیل بازار در حوزه های مختلف است، پیش بینی می کند تا سال ۲۰۲۸ این عدد به ۳/۴ تریلیون دلار افزایش یابد. سؤال این است که گردش مالی محتواهایی با زبان فارسی در این صنعت به چه صورت است؟ نوجوان های ایرانی بیشتر با محتواهای فارسی سرگرم می شوند یا انگلیسی؟

وقتی از سرگرمی حرف به میان می آوریم چیزی بیشتر از بازی های رایانه ای مد نظر ماست. صنعت سرگرمی یا Entertainment Industry به مجموعه ای از کسب و کارها و فعالیت هایی گفته می شود که هدفشان تولید، توزیع و نمایش محتوایی است که افراد برای لذت، تفریح و گذران وقت مصرف می کنند. سینما و تلویزیون شامل انواع تاک شوها، رئالیتی شوها، ولاگ ها و... فقط بخشی از آن است. موسیقی هایی که گوش می دهیم و کتاب داستان و رمان و شعر و مجله هایی که می خوانیم نیز زیر مجموعه صنعت سرگرمی محسوب می شوند. محتواهای تولید شده در رسانه های دیجیتال هم بخشی دیگرند.

واژه ها آر دایینگ

وقتی استفاده از کلمات انگلیسی بین مکالمات روزمره فقط بین نوجوانان وجود ندارد، باید دنبال دلیل جامع تری گشت. روزانه افراد بزرگسالی می بینیم که وسط مکالمه مکث می کنند تا برای واژه انگلیسی که به کار برده اند، معادلی فارسی پیدا کنند. گاهی موفق می شوند و گاهی نه. در هر صورت این سؤال برای ما پیش می آید که علت این مکث و وقفه چیست؟ چرا به کار بردن کلمات بیگانه گاهی راحت تر از به کار بردن کلمات زبان مادری است؟ معمولاً این

موارد پیش آمده را به ضعف دانش زبانی عموم جامعه مربوط می دانند. در حالی که علل دیگری هم دخیل هستند. در هر زبان دسته ای گسترده از واژه ها وجود دارند. در حالی که فقط بخشی از آنها در دایره واژگان استفاده روزمره عموم جامعه قرار دارد. زبان شناسان این واژه ها را در گروه دیگری قرار می دهند. در زبان فارسی این دایره روز به روز در حال کوچک تر

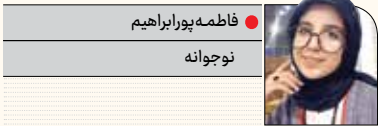
شدن است. اگر در مکالمات روزمره به کسی که دوستش دارید بگویید محبوب یا معشوقه، عجیب و ادبی به نظر می رسد. در حالی که کلمات مای لاور/مای لاور در مکالمات روزمره عادی شده است. به این دلیل که کلمات فارسی سال به سال بیشتر در خطر مردن قرار می گیرند. خیلی از کلمات رفته رفته جایشان از بین مکالمات روزمره مردم، به داخل کتاب ها تغییر پیدا کرده است و حتی به دلیل میل نویسندگان و خوانندگان به ساده نویسی، دیگر در کتاب های عامه مردم نیز دیده نمی شوند. دقت کنید که ما از کلمات کهن صحبت نمی کنیم. منظور کلماتی مانند کهنتر، بسمل شدن و ژنده پوش که منسوخ شده اند نیست. ما از کلماتی حرف می زنیم که همچنان در دانش زبانی ما وجود دارند ولی به طور معمول از آنها استفاده نمی کنیم.



در باب تعامل زبانی فارسی و انگ

مولتی لنگو

زبان انگلیسی در مدرسه می شود و حالا به نوجوانان مادر این شماره از نوجوان فارسی، سراغ این مدرسه را می گیرد. درمورد کاری که از دست



فاطمه پورابراهیم
نوجوانه

چند وقتی می شود که صحبت کردن نوجوان های ایرانی تن ادبا را در گور می لرزاند. استفاده از واژگان

اینتراکشن زبان ها

شاید وقتی بخوانید بیشتر از ۸۱/۴ درصد فیلم ها حداقل بخشی از زبان انگلیسی را در خود دارند، با خود فکر کنید به خاطر رسمی بودن این زبان، غالب بودنش طبیعی است. اما این را در نظر بگیرید در حالی که زبان انگلیسی همچنان زبان غالب در تولیدات سرگرمی است، زبان های دیگر نیز سهم قابل توجهی دارند. با رشد پلتفرم های جهانی، انتظار می رود تنوع زبانی در محتوای سرگرمی از چیزی که الان هست نیز افزایش یابد. مثلاً در صنعت موسیقی، زبان انگلیسی همچنان غالب است، اما هنرمندان اسپانیایی زبان، کره ای زبان و هنرمندان دیگر زبان ها نیز به شهرت جهانی دست یافته اند. این شهرت با

ورای پویایی زبان فارسی؟

این حرف را زیاد شنیده اید: «آخه معادل فارسی نداره!» یا «با فارسی حق مطلب ادا نمی شه.» شاید شبیه بهانه به نظر برسد ولی وقتی دقیق تر سراغ دلیل این وضعیت زبان در محاورات روزمره برویم، این دو جمله خیلی چیزها را به ما نشان می دهد. زبان باید در خدمت مردم باشد. مردم زبان را می سازند و به کار می گیرند تا راحت تر منظور خود را به اطرافیان برسانند. این یعنی هر واژه ای که به وجود آمده از دل نیازهای ما بوده است. اگر ما چیزی به شکل و شمایل قاشق نداشتیم هیچ وقت کلمه ای به نام قاشق به وجود نمی آمد. همان طور که ما از چاپستیک استفاده نمی کنیم و برایش معادلی فارسی نداریم. پس زبان پدیده ای پویا و در خدمت مردم یک جامعه است.

